جستارهای زبانی
دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۱۰، ش۲ (پیاپی ۵۰)، خرداد و تیر ۱۳۹۸، صص۲۲۵-۲۵۰

بررسی اسپونریزم در گفتار کودکان ۴-۶ سالهٔ فارسی‌زبان: رویکردی روان‌زبان‌شناختی

علی کریمی فیروزجایی[1*]، هانیه یارمند[2]

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دکتری زبان‌شناسی همگانی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۹/۷ پذیرش: ۹۶/۱۲/۵

چکیده

اسپونریزم نوع خاصی از لغزش‌های سهوی زبان است. هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولیدشده توسط کودکان جهت تعیین نقش نظم حاکم بر این لغزش زبانی در پیش‌بینی عملکرد نظام ذهنی کودکان در فرایند تولید آن‌هاست. پژوهش حاضر توصیفی ـ تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق شامل ۳۳ مورد اسپونریزم است که از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی دردسترس از گفتار عادی کودکان ٤ تا ٦ سالهٔ فارسی‌زبانِ ٤ مهدکودک شهر تهران گردآوری شده است. گفتنی است وضعیت زبانی تمام کودکان که اسپونریزم‌ها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، درنتیجه از ٤٠ مورد اسپونریزم جمع‌آوری‌شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به‌منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که آغازهٔ هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. همچنین، درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان فارسی‌زبان بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

واژه‌های کلیدی: لغزش‌زبانی، اسپونریزم آوایی، اسپونریزم تکواژی، روان‌زبان‌شناختی.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail:alikarimif@yahoo.com

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

۱. مقدمه

ویلیام اسپونر[1] (۱۸٤٤-۱۹۳۰م)، دانش‌آموخته و رئیس دانشگاه آکسفورد، فردی بود که اغلب در کلامش حروف اول کلمات را جابه‌جا تلفظ می‌کرد و جالب اینکه در برخی موارد با جابه‌جا کردن این حروف، عبارات معنی‌داری ساخته می‌شد که معانی متفاوت و گاه در تناقض با معنی عبارت اصلی مشاهده می‌شد. عنوان اسپونریزم از نام او گرفته شده است. یکی از اسپونرهای او عبارت است از:

The lord is a shoving leopard to his flock
The lord is a loving shepherd to his flock

اگرچه اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است که به‌صورت تصادفی در گفتار اتفاق می‌افتد؛ اما مطالعات نشان می‌دهند اسپونریزم‌هایی که در گفتار اسپونر مشاهده شده است با دقت طراحی شده و باید آن‌ها را بیشتر به شوخ‌طبعی او نسبت داد تا لغزش‌های زبانی غیرعمدی (Robbins, 1996: 456-467).

اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است و در مواردی نوعی بازی با کلمات نیز هست که در آن همخوان‌ها، واکه‌ها و یا تکواژها در جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند. لغزش‌های زبانی خطاهای غیرمکرر هستند که در همهٔ انسان‌ها به‌طور طبیعی و عادی رخ می‌دهد؛ اگرچه در برخی افراد و موقعیت‌ها بسامد بیشتری دارند (فلاحی، ۱۳۸٦: ۱۲۷). زبان پیچیده‌ترین فرایندی است که انسان در طول حیات خود آن را می‌آموزد. در واقع، زبان یکی از وجوه تمایز انسان و حیوان و یکی از راه‌های ارتباط برقرارکردن با خود و دیگران است. هر گاه این ارتباط، به هر دلیلی دچار نقص شود، بر برخی از جوانب شخصیتی فرد تأثیر می‌گذارد و وی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. زبان بخش قابل‌توجهی از نقش خود را به‌عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نظام ارتباطی از راه گفتار ایفا می‌کند (افخمی و اسدی‌مطلق، ۱۳۸۲: ۳۱). بنابراین، بررسی پدیده‌های مرتبط با گفتار که به شناخت بیشتر این جنبه از کارکرد زبان می‌انجامد موجب افزایش دانش مربوط به کلیت زبان خواهد شد. لغزش زبانی در این میان بسیار قابل‌توجه است؛ زیرا پدیده‌ای است که در آن نظام انتزاعی موجود در ذهن گوینده گاه به گونه‌ای که در ذهن جای گرفته است، عینیت نمی‌یابد و هنگامی که در قالب نظام آوایی زبان به لفظ کشیده می‌شود، تولید گفتار متفاوت با ذهنیت گوینده است. تعارضی که هنگام وقوع لغزش

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

زبانی بین ذهنیت موجود در ذهن و عینیت متبلور در گفتار پدید می‌آید، در سازوکار ذهن و مغز انسان ریشه دارد که تبیین آن مستلزم ورود به حوزه‌های روان‌شناسی زبان و عصب‌شناسی زبان است (Dell & Sullivan, 2003:100). پژوهش‌گرهایی که به بررسی لغزش‌های زبانی پرداخته‌اند هر یک اصطلاح‌هایی را به‌کار بسته‌اند که صرف‌نظر از تفاوت صوری، همگی به پدیده‌های واحد اشاره دارند. خطای گفتار[۲]، لغزش زبانی[۳]، خطای تشابهی[۴] و ابدال[۵] از آن جمله‌اند (افخمی و اسدی مطلق،۱۳۸۲: ۳۲).

کریستال[۶] لغزش زبانی را «انحراف ناخواستهٔ گوینده از تولید توالی مورد نظر واحدهای زبانی» می‌داند که بر «صدا، هجا، تکواژ و گاه واحدهای بزرگ‌تر دستوری» تأثیرمی‌گذارد. او اشتباه لفظ را، لغزش زبان از نوع «ابدال» می‌نامد (Crystal, 1987: 262-263). کریستال تعریفی از خطای گفتار به‌دست نمی‌دهد و حتی اشارهٔ مستقیم به آن ندارد؛ اما در مبحث هجا، لغزش زبان را در زمرهٔ پدیده‌های مربوط به خطای گفتار می‌شناسد که نشان می‌دهد این دو از دیدگاه او متفاوت و در عین حال مربوط با یکدیگرند. کاپلان[۷] هم به این مسئله اشاره می‌کند که خطاهای گفتار تنها بر بخشی از ساختار آوایی یک واژه تأثیر می‌گذارند و این بدان معناست که برخی عناصر آوایی خاص در یک واژه از دیگر عناصر آوایی باقیمانده جدا می‌شوند و تحت تأثیر خطاهای تولیدی قرارمی‌گیرند (Caplan,1992: 111). یول[۸] معتقد است که لغزش زبانی گاه عبارات درهم‌ریخته را پدید می‌آورد و گاه واژه‌ها را جابه‌جا می‌کند. این حالت اشتباه لفظ نیز نامیده می‌شود. او به انواع دیگری از لغزش زبان نیز اشاره می‌کند که در آن‌ها واج‌ها از یک واژه به واژهٔ بعد منتقل می‌شود، یا واجی که در واژهٔ بعد وجود دارد در واژهٔ قبل نیز به کار می‌رود (اسپونریزم) و در نهایت یادآور می‌شود که لغزش‌های زبانی تصادفی نیستند و هیچ‌گاه زنجیرهای غیرقابل قبول واجی تولید نمی‌کنند (Yule, 1996: 172).

هدف از انجام این پژوهش بررسی نوع خاصی از لغزش زبانی با عنوان اسپونریزم در گفتار عادی کودکان ٤-٦ سالهٔ فارسی‌زبان است تا به تعمیم‌ها و قواعدی برسیم که نشان دهند این لغزش‌ها گرچه غیرتکراری هستند؛ اما از نظم خاصی پیروی می‌کنند. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: آیا ساختار زبان فارسی نقشی در اسپونریزم ایفا می‌کند؟ تفاوتی میان وقوع انواع اسپونریزم در کلام کودکان فارسی‌زبان وجود دارد ؟ فرض بر این است که آغازهٔ هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است همچنین، درصد خطای اسپونریزم آوایی و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

تکواژی در کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست.

۲. پیشینهٔ پژوهش

اصطلاح لغزش زبانی را نخستین بار فرامکین [۹] در سال ۱۹۷۱ در مقاله‌ای به‌کار برد. او لغزش-های زبانی را عامل مؤثری در مطالعات زبانی معرفی کرد و معتقد بود از طریق مطالعهٔ این خطاها می‌توان واحدهای زیرساخت [۱۰] نظام آوایی زبان را بررسی کرد (Fromkin, 1973: 217). در توضیح چگونگی رخداد لغزش‌های زبانی رویکردهای متفاوتی وجود دارد: دسته‌ای از پژوهش‌ها از دریچهٔ روان‌شناسی زبان به این پدیده نگریسته و به بررسی جنبه‌های معینی از آن پرداخته‌اند (افخمی و اسدی مطلق،۱۳۸۲: ۳۲). نتایج حاصل از این تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از لغزش‌های زبانی دلایل روان‌شناختی دارند.

ازجمله نظریه‌های مطرح در حوزهٔ روان‌شناسی توضیح فروید [۱۱]، روان‌کاو مشهور اتریشی، است که لغزش‌ها را ناشی از تداخل افکار سرکوب‌شدهٔ جنسی از ناخودآگاه انسان در سخن آگاهانهٔ او می‌داند؛ یعنی به طور هم‌زمان دو طرح‌ریزی گفتار در ذهن در حال انجام‌گرفتن است. او لغزش‌های زبانی را به‌طور خاص در قالب آسیب‌شناسی روانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است؛ اما سال‌ها پس از ایده‌های فروید به‌خصوص دربارهٔ حضور همیشگی انگیزه‌های جنسی در لغزش‌های زبانی، دربارهٔ نظریهٔ او تردید شد. از منظر روان‌شناسی زبان لغزش‌های زبانی از چگونگی طرح‌ریزی و تولید گفتار خبر می‌دهند (فلاحی، ۱۳۸٦: ۱۲۹). اچسون [۱۲] (۱۳٦٤) به طور مفصل، انواع لغزش‌ها را بررسی کرده است و درنهایت چگونگی طرح‌ریزی گفتار را براساس آن‌ها توضیح می‌دهد (اچسون، ۱۳٦٤: ٤۲۸). وی به دو دسته لغزش زبانی قائل است: الف- خطای انتخابی که در آن گوینده واژهٔ نادرست را انتخاب می‌کند؛ و ب- خطای تلفیقی که در آن واژهٔ درست انتخاب می‌شود، اما گفتار به‌درستی سازمان نمی‌یابد (اچسون،۱۹۹۳: ۱۲۹). والشکوسکی [۱۳] (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود به بررسی نقش فاصلهٔ مشخصه‌های واجی [۱٤] بر رخداد لغزش‌های واجی بافتی [۱۵] پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این فاصله عامل اساسی در تعیین انواع لغزش‌هاست.

عصب‌شناسی زبان از دیگر حوزه‌هایی است که در رابطه با لغزش‌های زبان مطالب

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

ارزنده‌ای ارائه کرده است (Dell & Sullivan, 2003: 63). نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که گفتار، طی چهار مرحلهٔ مفهوم‌سازی[۱۶]، شکل‌دهی به طرح زبانی[۱۷]، تولید طرح و بازبینی گفتار[۱۹] تولید می‌شود؛ یعنی طی یک مرحلهٔ تناوب، اندیشه به سخن تبدیل می‌شود (Carroll, 1998: 192). مرینگر[۲۰]، زبان‌شناس استرالیایی، لغزش‌های زبانی را از منظر عصب‌شناختی بررسی کرد. او خلاف فروید برداشتی غیرجنسی از خطای لفظی ارائه داده بود. از نظر او، این اشتباه‌ها، جابه‌جایی‌های تصادفی در واحدهای ساخت جملات هستند. برای مرینگر که دو مجموعه از اشتباه‌های لفظی رایج را منتشر کرده بود، یک اشتباه لفظی فقط یک اشتباه عادی است (Freud et al., 2077: 292). دل (1995: 190) از منظر عصب‌شناسی زبان اسپونریزم را تعریف می‌کند. او معتقد است که نظریهٔ فعال‌سازی ـ گسترش‌یافته[۲۱] که در تولید گفتار مطرح است، کمک می‌کند که چگونگی حادث شدن این لغزش زبانی در مغز را توضیح دهیم. او معتقد است که هنگامی که گره عصبی مرتبط با یک عبارت به شکل زودهنگام در مغز فعال می‌شود و گره عصبی دیگری تأخیر داشته باشد اشتباه لفظی اسپونریزم روی داده است. دل این ادعا را مطرح می‌کند که اشتباه‌های لفظی درواقع توانایی بالای فرد را در استفاده از زبان و اجزای آن نشان می‌دهد. از نظر دل هنگام تولید گفتار، چهار سطح متفاوت زبانی مغز که عبارت از سطح معنایی[۲۲]، نحوی[۲۳]، ساخت واژه[۲۴] و واج‌شناختی[۲۵] به‌صورت موازی و هم‌زمان با یکدیگر در ارتباط هستند و گفتار از ارتباط و فعالیت میان آن‌ها ساخته می‌شود؛ اما در اغلب شرایط این شبکه‌ها که در پروسه‌ای به نام فعال‌سازی ـ گسترش‌یافته عمل می‌کنند به نوعی با یکدیگر برخورد می‌کنند و سکندری می‌خورند (آیزنک و کین، ۱۳۹٤: ۱۱۲). نتیجهٔ این تصادف‌ها اشتباهی لفظی است و آن طور که اومعتقد است این اتفاق چیز خوبی است. چون یک سیستم تولید زبانی که امکان اشتباه در آن وجود دارد، امکان خلاقیت و تولید زبانی را به‌وجود می‌آورد. این شاهدی حقیقی از انعطاف‌پذیری زبانی است، چیزی که درواقع چالاکی ذهن انسان را نشان می‌دهد (Dell, 1995: 207).

در ایران نیز مطالعاتی دربارهٔ این مباحث صورت گرفته است. افخمی و اسدی مطلق (۱۳۸۲) به بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی پرداخته‌اند و در پی ارائهٔ طبقه‌بندی منسجم از خطاهای گفتار متناسب با مقتضیات زبان فارسی و بررسی رابطهٔ متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی، خطاهای گفتاری در محور زبانی شامل مقوله‌های واجی،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

ساخت‌واژی و نحوی و محور فرازبانی شامل رابطه‌های جایگزینی، جابه‌جایی، افزایش، حذف و تلفیق را مورد بررسی قراردادند. نتایج آزمون‌های آن‌ها بیانگر آن بود که بین دو متغیر پژوهش و اجزای طبقه‌بندی رابطه‌ای وجود ندارد و از طرف دیگر متغیر با فراوانی خطاها در اجزای طبقه‌بندی زبانی و فرازبانی رابطه دارد؛ به طوری که در جنس مذکر رابطه‌های حذف، افزایش و تلفیق به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. این ترتیب در جنسیت مؤنث به‌صورت تلفیق، حذف و افزایش است (افخمی و اسدی مطلق؛ ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر فلاحی (۱۳۸٦) به طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال پرداخته و آن‌ها را در دو گروه اصلی الف- لغزش‌های آوایی و ب- لغزش‌های نحوی و معنایی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کرده است که بیشترین نوع لغزش‌ها، جانشینی واژگانی به دلیل شباهت معنایی و کمترین نوع لغزش‌ها افزایش آواست (فلاحی ۱۳۸٦). استاجی و نوربخش (۱۳۸۷) نیز بر اساس شواهدی از خطاهای گفتار در زبان فارسی به اهمیت هجا و ساختار درونی آن به‌عنوان یک واحد زبانی در جریان فرایند تولید گفتار پرداخته‌اند. به باور آن‌ها مطالعهٔ لغزش‌های زبانی، یعنی اشتباهاتی که گوینده به‌طور ناخواسته در گفتار مرتکب می‌شود و با هدف او مغایرت دارد، برای دستیابی به چگونگی فرایند تولید گفتار بیش از شواهد دیگر مفید بوده است. تفرجی‌یگانه (۱۳۹۵) به بررسی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خطاهای گفتاری در جامعهٔ پرستاری پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نوع شخصیت، استرس، خستگی و لغزش‌های زبانی ارتباط معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه اصلی‌ترین وظیفهٔ زبان ایجاد ارتباط است و لغزش‌های زبانی اختلالی جدی در ایجاد ارتباط به‌وجود نمی‌آورند، مطالعهٔ لغزش‌ها چندان مورد توجه نبوده است و درنتیجه دیرینهٔ چندانی ندارد و نیاز به مطالعات وسیع‌تری در این زمینه احساس می‌شود.

۳. شیوهٔ پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی ـ تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس گردآوری شده است. گفتار عادی ۲٤۰ کودک ٤ تا ٦ ساله فارسی‌زبان در ٤ مهدکودک شهر تهران مدت شش ماه حین بازی و انجام فعالیت‌های روزانه ضبط شد. درنهایت ٤۰ مورد اسپونریزم از گفتار آن‌ها استخراج شد. گفتنی است که وضعیت زبانی تمام کودکان که

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

اسپونریزم‌ها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، درنتیجه از ٤٠ مورد اسپونریزم جمع‌آوری‌شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به‌منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. اگرچه در تعریف و طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی یک‌دستی و اتفاق‌نظر وجود ندارد؛ اما در پژوهش حاضر مطابق با تقسیم‌بندی گارمن [۲۶] آن‌ها را به دو دسته لغزش‌های‌آوایی، که در سطح واج رخ می‌دهند و لغزش‌های نحوی ـ معنایی، که در سطح فراتر از واج رخ می‌دهند، تقسیم‌بندی کردیم (Graman, 1990 : 151). همان‌طور که بیان شد اسپونریزم لغزش زبانی است که به‌سبب آن همخوان‌ها، واکه‌ها و یا تکواژها در غالب یک جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند. در اسپونریزم‌های آوایی [۲۷] عامل جابه‌جاشده واج است؛ اما در اسپونریزم‌های نحوی ـ معنایی تکواژها با هم جابه‌جا می‌شوند حال آنکه این تکواژ می‌تواند تکواژ واژگانی و یا تکواژ دستوری باشد. در این پژوهش عنوان‌های جابه‌جاشدگی آوایی [۲۸] و یا خطاهای تعویض ـ صدا [۲۹] به اسپونریزم‌های آوایی و همچنین عنوان‌های اسپونریزم-های تکواژی [۳۰] و یا خطاهای تعویض ـ واژه [۳۱] به اسپونریزم‌های نحوی ـ معنایی اشاره می‌کنند.

در این پژوهش ابتدا اسپونریزم‌های آوایی بررسی شدند، برای مثال جابه‌جایی همخوان‌های اولیه در دو کلمه:

چیپس و پفک ← پیپس و چفک (چ و پ همخوان‌های‌آغازین در دو کلمه هستند.)

و یا جابه‌جایی آواها در درون یک کلمه مانند:

تندیس←دنتیس (د و ت دو همخوان در درون یک کلمه هستند.)

جهت بررسی دقیق‌تر اسپونریزم‌های آوایی آن‌ها به دو زیر مجموعه تقسیم شدند:

الف) اسپونریزم‌های‌آوایی که در آن‌ها واج‌های جابه‌جاشده، همخوان هستند، برای مثال:

جزیرهٔ گنج ← گزیره جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)

ب) اسپونریزم‌های‌آوایی که در آن واج‌های جابه‌جاشده، واکه هستند.

گفتنی است که در اسپونریزهای آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابه‌جا شوند موجود نیست.

در مرحلهٔ دوم اسپونریزم‌های نحوی ـ معنایی بررسی شدند:

همان‌طورکه اشاره شد اسپونریزم تنها محدود به جابه‌جایی آواها نمی‌شود؛ بلکه ممکن

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

است کل کلمه یا بخشی از آن جابه‌جا شود، برای مثال:

او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.

در پایان نیز به‌منظور دقیق‌تر بودن تحلیل‌ها، مقولهٔ نحوی تکواژهای جابه‌جاشده بررسی شد، برای مثال:

کتابت را تحویلش دادم ← کتابش را تحویلت دادم(َت و َش هر دو تکواژ دستوری هستند)

دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش (دست و چشم هر دو تکواژ واژگانی هستند)

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های برگرفته از گفتار عادی کودکان ٤-٦ سالهٔ فارسی‌زبان بررسی می‌شود.

فرضیهٔ اول پژوهش عبارت بود از اینکه درصد خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. برای بررسی این فرضیه با توجه به اینکه طیف مورد استفادهٔ اسمی دو بُعدی است، از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. جدول شمارهٔ ۱ نتایج حاصل از مقایسهٔ درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان را به کمک آزمون دو جمله‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۱: آزمون دو جمله‌ای مربوط به مقایسهٔ درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان

Table1. Binomial test to examine the percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism in speech of Persian Language Children

اسپونریزم	طبقه‌بندی	تعداد	سهم مشاهده شده	آزمون سهم	سطح معناداری
آوایی	۱.۰۰	۲۵	۰.۷٦	۰.۵۰	۰.۰۰۵
تکواژی	۲.۰۰	۸	۰.۲٤		
جمع		۳۳	۱.۰۰		

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵درصد فرضیه H0 رد و فرضیهٔ H1 که همان فرضیهٔ تحقیق است، مورد تأیید قرار می‌گیرد (p- Value <0.05). یعنی درصد

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. همان‌طور که میزان درصد فراوانی اسپونریزم‌های آوایی برابر ۷۵/۷۵ درصد و اسپونریزم‌های تکواژی برابر ۲٤/۲٤ درصد است. درنتیجه می‌توان گفت که نسبت تعویض- صدا بیشتر از تعویض- واژه در گفتار عادی کودکان است به عبارت دیگر درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان است. نمودار ۱ نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی را نشان می‌دهد.

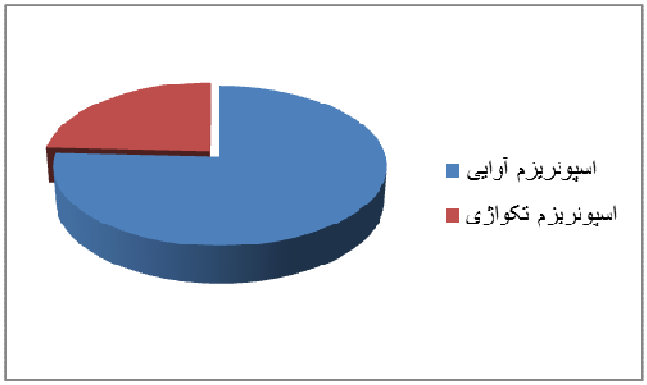

نمودار ۱: نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی

Diagram1: The percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism

همچنین از مقایسهٔ اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی ملاحظه شد در مورد اسپونریزم‌های آوایی ١٤ مورد از اسپونریزم‌ها در غالب کلمات مجزا (٥٦ درصد) هستند و ١١ مورد از اسپونریزم‌های آوایی در درون یک کلمه (٤٤ درصد) هستند؛ اما در رابطه با اسپونریزم‌های تکواژی همهٔ آن‌ها در غالب کلمات مجزا در عبارت و یا جمله مشاهده شده‌اند و اصلاً موردی در درون یک کلمه ملاحظه نشد. یکی از عوامل مشترک در اسپونریزم‌های آوایی، بحث مجاورت [۳۲] است. با توجه به بررسی داده‌ها می‌توان گفت که آواهای جابه‌جاشده تمایل دارند در محیط‌های مجاور و حتی‌المقدور نزدیک به هم جابه‌جا شوند. این مطلب هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه و هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا صدق

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

می‌کند. اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه نشان می‌دهند که آواهای جابه‌جا شده در کلمات، اغلب یا درون یک هجا و یا در دو هجای مجاور[۳۳] هستند:

دوچرخه ← دوخرچه (چ وخ در دو هجای مجاور هستند)

زمین ← زنیم(م و ن در یک هجا هستند)

این مطلب دربارهٔ اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا نیز صدق می‌کند. البته در این دسته از اسپونریزم‌ها نگارندگان هجاهای کل عبارت یا جمله را ملاک قرار داده‌اند، نه صرفاً هجاهای یک کلمه را. نتایج حاصل نشان می‌دهد که آواهای جابه‌جا شده نسبتاً در فاصلهٔ نزدیک به هم قرار دارند، برای مثال:

پیتزای قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت

اما فاصلهٔ بین تکواژهای جابه‌جا شده در اسپونریزم تکواژی به نسبت بیشتر از فاصلهٔ بین دو واج در اسپونریزم آوایی است. به عبارت دیگر، میانگین واج‌های موجود بین دو تکواژ جابه-جا شده در اسپونریزم تکواژی در جمله معادل ۵ واج است؛ اما میانگین واج‌های موجود بین دو واج جابه‌جا شده در اسپونریزم آوایی معادل ۲ واج است در نتیجه، دو تکواژ جابه‌جاشده در اسپونریزم تکواژی از هم دورترند تا دو واج جابه‌جا شده در اسپونریزم آوایی. بنابراین، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا رخ می‌دهد. این مشاهده، گواهی است بر انگاره‌های تولیدی زبان که مفهوم‌سازی در قالب گزینش اقلام واژگانی را مقدم بر سطح تولید آوایی می‌دانند. به عبارت دیگر، این یافته در راستای انگاره‌سازی‌های تولید گفتار است. نمودار ۲ نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا را در هر دو نوع آوایی و تکواژی نشان می‌دهد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

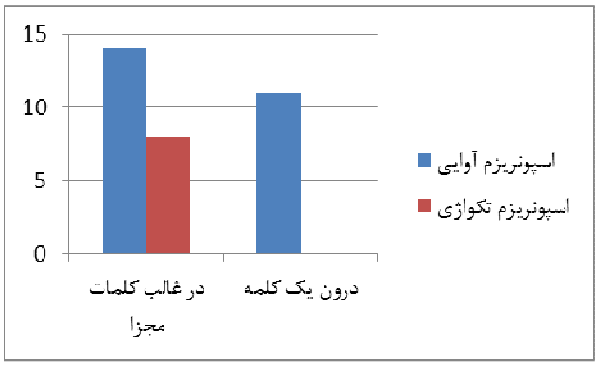

نمودار ۲: نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا در اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی

Diagram2. The percentage of spoonerism in a word in comparison with spoonerism in separate words in phonetic spoonerism & morphemic spoonerism

اکنون به تجزیه و تحلیل اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی با جزئیات بیشتر می‌پردازیم:

در ابتدا این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا اسپونریزم‌ها از الگوی منظمی پیروی می‌کنند؟

برای پاسخ به این پرسش از اسپونریزم‌های آوایی شروع می‌کنیم. همان‌طور که بیان شد، اسپونریزم‌های آوایی در دو گروه مستقل بررسی شدند. اسپونریزم‌های آوایی که در درون یک کلمه هستند و همچنین اسپونریزم‌های آوایی که در درون کلمات مجزا هستند. شباهت‌هایی که در اسپونریزم‌های این دو گروه ملاحظه شد، عبارت‌اند از:

۱-در ۵۳.۳۳ درصد از اسپونریزم‌های‌آوایی در کلمات مجزا واج‌های یکسانی (همخوان و یا واکه) بعد از آواهای جابه‌جا شده ملاحظه شد:

شُکلات صُبحانه ← صُکلات شُبحانه (واکهٔ بعد از همخوان‌های ش و ص آمده است).

در مورد تمامی اسپونریزم‌های‌آوایی در داخل کلمات نیز چنین چیزی مشاهده شد:

مصادف ← مداصف (دو همخوان ص و د با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند که بعد از همخوان‌ها واکه‌های a و ـِ آمده‌اند).

پس می‌توان نتیجه گرفت که در اغلب اسپونریزم‌های‌آوایی در کلمات مجزا و در داخل یک کلمه، یک واج یکسان بعد از آواهای جابه‌جاشده وجود دارد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

۲- در هیچ یک از اسپونریزم‌های این دو گروه یک همخوان با یک واکه جابه‌جا نشده است. به عبارت دیگر همخوان فقط با همخوان‌ها و واکه فقط با واکه‌ها جابه‌جا می‌شوند. گارت[۳٤] (1975) در تعمیم‌های چهارگانهٔ خود به این نکته اشاره کرده است. او معتقد است که در فرایند لغزش‌های زبانی هر دو واحد یکسانند؛ مثلاً هر دو همخوان هستند (Carroll, 1998 : 194). برای مثال:

جزیرهٔ گنج ← گزیرهٔ جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)

کره و پنیر ← پره و کنیر(ک وپ هر دو همخوان هستند)

همان‌طور که بیان شد در اسپونریزهای‌آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابه‌جا شوند موجود نیست.

۳- آواهای جابه‌جاشده دست‌کم در یکی از سه مشخصهٔ محل تولید، شیوهٔ تولید و واک-داری با یکدیگر مشابه‌اند. به عبارت دیگر هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانندتر باشند، امکان جابه‌جایی آن‌ها بیشتر است. برای مثال در مثال فوق «گ و ج» هر دو بی‌واک هستند. در مورد «ک و پ» نیز هم از نظر شیوهٔ تولید همانند هستند؛ زیرا هر دو انفجاری و هر دو واکدار هستند.

٤- در اسپونریزم‌های‌آوایی جایگاه تکیه ثابت می‌ماند؛ برای مثال:

قیافهٔ خفن ← خیافهٔ قفن

علاوه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های مطرح شده در مورد اسپونریزم‌های‌آوایی در کلمات مجزا می‌توان فرضیهٔ شباهت هجایی[۳۵] را نیز مطرح کرد. طبق این فرضیه واج‌های آغازهٔ هجا نمی-توانند با واج‌های پایانهٔ هجا جابه‌جا شوند. بلکه واج‌های آغازهٔ هجا با آغازهٔ هجا، واج‌های قلهٔ هجا با قلهٔ هجا و واج‌های پایانهٔ هجا با پایانهٔ هجا جابه‌جا می‌شوند. گارت نیز به این مطلب اشاره کرده است، برای مثال:

زبر و صاف ← صبر و زاف (آغازهٔ هجا– آغازهٔ هجا)

طرح آوایی و نمودار زیرساختی مثال فوق در نمودار ۳ نمایش داده شده است. در این طرح آوایی ساختار هجایی هر یک از کلمات با جزئیات کامل مشخص شده است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

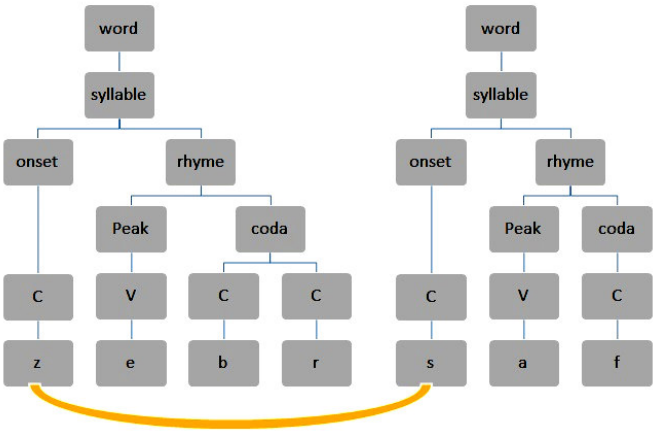

نمودار ۳: طرح آوایی اسپونریزم «زبر و صاف ← صبر و زاف»

Diagram3. Phonetic layout of spoonerism in "zebro saf→ sebro zaf"

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این اسپونریزم همخوان‌های آغازهٔ هجا با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند، انگارهٔ تعاملی زیر این تغییرات را نشان می‌دهد.

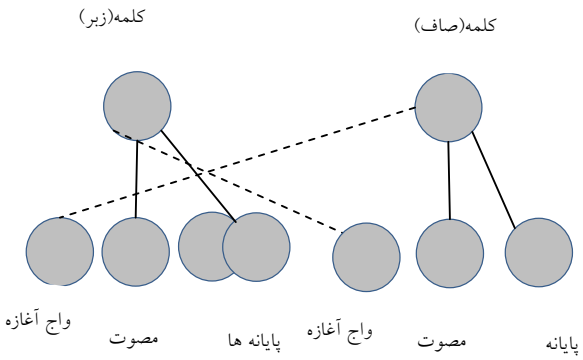

نمودار ۴: انگارهٔ تعاملی اسپونریزم «زبر و صاف ← صبر و زاف»

Diagram4.. Interactive model of spoonerism in "zebro saf→ sebro zaf"

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که ۱٤ مورد (۱۰۰درصد) از۱٤ اسپونریزم‌آوایی در کلمات مجزا و ٤ مورد از ۱۱ اسپونریزم‌آوایی درون کلمه (۳٦.۳٦درصد) آغازهٔ هجا هستند که در مجموع ۷۲ درصد از اسپونریزم‌های‌آوایی آغازهٔ هجا هستند. پس می‌توان نتیجه گرفت که همخوان‌های آغازین تمایل بیشتری برای جابه‌جاشدن دارند؛ به عبارت دیگر اغلب اسپونریزم-های‌آوایی حاصل جابه‌جایی همخوان‌های آغازین با دیگر همخوان‌ها هستند. درنتیجه می‌توان ادعا کرد که آغازهٔ هجا در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانهٔ هجا آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

اکنون به بررسی اسپونریزم‌های تکواژی می‌پردازیم.

در رابطه با اسپونریزم‌های آوایی چنین بیان شد که هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانند باشند، امکان جابه‌جایی آن‌ها بیشتر است. در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز این مطلب صدق می‌کند، به‌جز یک مورد در بقیهٔ موارد تکواژهای جابه‌جاشده هم وزن هستند؛ برای مثال:

او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد. (ابراز و احساس هر دو بر وزن cvc cvc هستند.)

با توجه به نمونه‌های گردآوری‌شده اسپونریزم‌های تکواژی در درون یک کلمه اتفاق نمی-افتند؛ بلکه آن‌ها در سطح جمله یا فراتر از مرز یک جمله در غالب دو جمله اتفاق می‌افتند. گارت به این قاعده نیز اشاره کرده است که برخی از لغزش‌های‌زبانی مانند مبادلهٔ آوایی (اسپونریزم آوایی) فقط در درون کلمه و یا عبارت صورت می‌گیرند؛ ولی مبادلهٔ واژهٔ (اسپونریزم تکواژی) در مرز فراتر از جمله نیز امکان رویداد دارند (Garret, 1990: 75)؛ مانند:

آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد.

آمد چشمش را درست کند، ابرویش را کور کرد.

(اسپونریزم تکواژی در مرز فراتر از جمله)

چنانچه اسپونریزم‌های تکواژی در یک جمله صورت گیرند، اغلب در کمترین فاصله هستند. چنانچه در دو جمله باشند به لحاظ جایگاهی تکواژهای جابه‌جا شده در جایگاه‌های یکسانی در جمله قرار دارند؛ مثال:

پنج تا عروسک بخر، هفت تا آب‌نبات.

هفت تا عروسک بخر، پنج تا آب‌نبات.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

(پنج و هفت هر دو در جایگاه آغازین جمله قرار دارند.)

مانند اسپونریزم‌های آوایی، جایگاه تکیه در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ثابت است و تغییر نمی‌کند؛ و همچنین اغلب اسپونریزم‌های تکواژی نیز از نوع تکواژ آغازین هستند (۸۷.۵ درصد). در این بخش فرضیهٔ دوم پژوهش بررسی شد. فرضیهٔ دوم تحقیق عبارت بود از اینکه آغازهٔ هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. برای بررسی این فرضیه با توجه به اینکه طیف مورد استفادهٔ اسمی دو بُعدی است از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد.

جدول ۲: مقایسهٔ درصد وقوع اسپونریزم‌هایی آوایی و تکواژی که درآغازهٔ هجا حادث می‌شوند با اسپونریزم‌های قلهٔ هجا و پایانه به کمک آزمون دو جمله‌ای

Table2. A comparison of percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism in onset, peak and coda with Binomial test

متغیرها	طبقه‌بندی	تعداد	سهم مشاهده‌شده	آزمون سهم	سطح معناداری
آغازهٔ هجا		۲٤	۰.۷۳		
غیرآغازه‌هجا	۱.۰۰	۹	۰.۲۷	۰.۵۰	۰.۰۱٤
(قلهٔ هجا یا پایانه هجا)	۰.۰۰				
جمع		۳۳	۱.۰۰		

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵درصد فرضیهٔ H0 رد و فرضیهٔ H1 که همان فرضیهٔ تحقیق است، مورد تأیید قرار می‌گیرد (p- Value <0.05) به‌عبارت دیگر آغازهٔ هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است.

در مورد اسپونریزم‌های تکواژی الزاماً واج یکسانی قبل و بعد از تکواژ جابه‌جاشده نمی‌آید. در هیچ یک از ۸ مورد گردآوری‌شده چنین چیزی مشاهده نشده است؛ اما قاعدهٔ گارت در رابطه با لغزش‌های زبانی مبنی بر اینکه هر دو واحد یکسانند، در مورد این نوع از اسپونریزم‌ها نیز صدق می‌کند؛ زیرا تکواژهای جابه‌جاشده از یک مقوله هستند؛ مثال:

کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویلت دادم.

(َت و َش هر دو ضمیر متصل هستند.)

دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش

(دست و چشم هر دو اسم هستند.)

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

این مطلب تأکیدی است بر «مأمور ترافیک نحوی[۳۶]» در مغز که توسط دل، اپنهیم[۳۷] و کیترج[۳۸] مطرح شد. آن‌ها معتقدند در فرایند تولید کلام مأموری در مغز داریم که ما را از لغاتی که متعلق به مقولهٔ نحوی مناسب نیستند، بازمی‌دارد (Dell et al., 2008: 584). بررسی اسپونریزم‌های نحوی نشان می‌دهد هنگام جابه‌جایی تصادفی تکواژها در کلام نیز چنین مأموری بر صحت همسانی مقولهٔ نحوی نظارت دارد. همان‌طور که در این مثال‌ها دیده می‌شود، یکی از الگوهای خاص موجود در اسپونریزم عبارت است از اینکه هر دو واحد جابه-جاشده یکسانند که این قاعده در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز صدق می‌کند؛ زیرا تکواژهای جابه‌جا شده از یک مقوله هستند و به تشکیل واژه‌های جدید در کلام منجر می‌شود، واژه‌های جدیدی که از جابه‌جایی این واحدها حاصل می‌شوند اغلب خنده‌دارند (البته گاهی از این جابه‌جایی‌ها صورت‌هایی حاصل می‌شود که واژه نیستند). اما نکتهٔ مهم از بُعد روان‌زبان‌شناختی همین جاست: قبل از تولید جمله توسط فرد، طرح کل جمله باید مشخص شود تا چنین جابه‌جایی‌هایی رخ دهد .در غیر این صورت چگونه ممکن است در مثال «کتابت را تحویلش دادم» که کودک به‌صورت «کتابش را تحویلت دادم» بیان کرده است، آخرین واحد آوایی سومین واژه، یعنی ضمیر متصل (َش) به عقب آورده شود، به‌گونه‌ای که پنجمین واحد آوایی واژه اول شود؛ و یا در مثال «دستم خورد توی چشمش» که به‌صورت «چشمم خورد توی دستش» بیان شده است، جایگاه دو تکواژ «دست» و «چشم» که هر دو مقولهٔ نحوی یکسان دارند و اسم هستند با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند. به عبارت دیگر، این اسپونریزم نیز مانند دیگر اسپونریزم‌ها از قانون مقولهٔ نحوی[۳۹] یکسان تبعیت می‌کند. یکی از روش‌ها برای توضیح بیشتر این قانون چنین فرض می‌کند که این خطاها در خلال بازنمود نحوی[۴۰] واحدهای گفته، حادث می‌شوند. به‌طور خاص، فرایند ساخت چنین خطایی این‌گونه توضیح داده می‌شود: براساس معنای مورد نظر و از پیش تعیین‌شده در گفته (بازنمود معنایی[۴۱])، واژه‌ها از واژگان ذهنی[۴۲] که همان مخزن کلمات در ذهن است، بازیابی می‌شوند. برای مثال برای ساخت این جمله ابتدا باید کلمات «دست، چشم و خورد» بازیابی شوند. سپس، یک طرح نحوی ساخته شود که این طرح نشان‌دهندهٔ ساختار زیربنایی جمله است. این طرح و مثالی از آن در نمودار ۵ ارائه شده است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

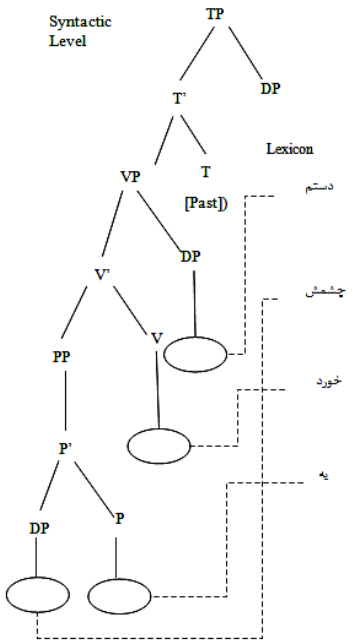

نمودار ۵: طرح کلی جملهٔ «دستم خورد تو چشمش»

Diagram 5: The Whole Scheme of "My hand touched his eye"

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این طرح نحوی، روابط نحوی بین کلمات را در یک جمله نشان می‌دهد و به‌خودی خود فاقد واژگان است؛ بلکه دارای فضاهای خالی[۴۳] است که واژگان با توجه به مقولهٔ دستوری‌شان باید دراین فضاهای خالی قرار بگیرند. در مثال فوق، یک گروه اسمی ملاحظه می‌شود که دربرگیرندهٔ اسم و ضمیر متصل است و در جایگاه فاعل قرارمی‌گیرد، به دنبال آن یک فعل در زمان گذشتهٔ ساده آمده است و همچنین یک گروه اسمی دیگر که متشکل از اسم و ضمیر متصل است و مفعول مستقیم فعل است. اما پرسش اینجاست که طی چه فرایندی این کلمات در فضاهای خالی طرح فوق قرارمی‌گیرند؟ عنوانی که هر یک از فضاها دارند کلمات را هدایت می‌کنند؛ مثلا اینکه «خورد» در جایگاه فعل قرار می‌گیرد؛ اما مشکل

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

اصلی در این مثال گروه‌های اسمی هستند. احتمالاً بازنمود معنایی که در مخزن کلمات مغز وجود دارد بین دو گروه اسمی تمایز گذاشته است و «دست» را که می‌تواند در جایگاه فاعل بشیند در جایگاه قبل از فعل و «چشم» را که ماهیت مفعولی دارد به جایگاه خالی بعد از فعل هدایت می‌کند. خطاهایی از این قبیل که از قاعدهٔ مقولهٔ نحوی تبعیت می‌کنند و در مواردی خاص جایگاه واحدها را جابه‌جا می‌کنند، شاهد مناسبی برای این مطلب هستند که جملات از طریق قراردادن واحدهای کلمه[44] در فضاهای خالی نام‌گذاری و در طرح نحوی مرتبط با جمله، ساخته می‌شوند و البته در برخی از موارد واحدهای کلمات در این طرح نحوی جابه‌جا می‌شوند. همان‌طور که در این مثال ملاحظه شد واژگان آسیبی ندیده‌اند؛ بلکه روش‌های سازماندهی آن‌ها در مغز مختل شده است. به کمک نظریهٔ فعال‌سازی ـ گسترش‌یافتهٔ دل می‌توان این جابه‌جایی را توضیح داد. در این نظریه فرض بر این است که پردازش در تمام سطوح (معنایی و نحوی) به‌صورت موازی رخ می‌دهد. علاوه بر این، پردازش تعاملی[45] است، یعنی فرایندها در هر سطحی بر فرایندهای سطوح دیگر تأثیر می‌گذارند. در این نظریه قوانین مقوله‌بندی برای سطوح معنایی، نحوی، تکواژ و واجی تولید گفتار وجود دارد. علاوه بر قوانین مقوله‌ای، واژگان یا لغت‌نامه به‌صورت شبکه‌ای مرتبط وجود دارد که حاوی گره‌هایی برای مفاهیم، لغات، تکواژها و واج‌هاست. با توجه به قوانین ورود[46] اقلامی برای نمایش جمله‌ای که قرار است گفته شود انتخاب می‌شود؛ به این منظور ابتدا گره متعلق به مقولهٔ مناسب انتخاب می‌شود. برای مثال در جملهٔ فوق قوانین مقوله‌ای در سطح نحوی نشان می‌دهند که یک گروه اسمی در ابتدای جمله نیاز داریم. گروه اسمی که گره آن فعال‌تر است انتخاب خواهد شد. گفتنی است سطح فعال‌سازی یک واحد انتخاب‌شده فوراً به صفر کاهش می‌یابد. بنابراین اگر اسم «چشم» از خیلی قبل انتخاب شده باشد، احتمال اینکه مجدداً در جای صحیح خود در جمله انتخاب شود، وجود ندارد. درنتیجه براساس نظریهٔ فعال‌سازی گسترش‌یافته، می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد، ثانیاً خطای گفتار زمانی رخ می‌دهد که کلمهٔ نادرست فعال‌تر از کلمهٔ صحیح باشد.

این مطالب نشان می‌دهد که برای بیان جمله باید ابتدا طرح کلی مرتبط با آن در مغز شکل گیرد و اینکه احتمالاً خطاهایی در فرایند فعال‌سازی یک واحد در مغز باعث می‌شود چنین خطاهایی در کلام ظاهر شوند و مثلاً جایگاه دو اسم جابه‌جا و به‌صورت نادرست بیان شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

درنتیجه، می‌توان پیشنهاد داد عنوان «خطاهای مغزی» عنوان مناسب‌تری برای «لغزش‌های کلامی» باشد.

باتوجه به مطالب فوق، می‌توان گفت تجزیه و تحلیل لغزش‌های زبانی ازجمله موضوعاتی است که نیاز به مطالعه در حوزه‌های مختلف دارد و لزوم انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در این حوزه بیش از پیش مورد توجه قرارمی‌گیرد.

۵. نتیجه

هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولیدشده توسط کودکان فارسی‌زبان به‌منظور تعیین نقش اصول حاکم بر این لغزش زبانی است تا بتوانیم از این طریق عملکرد نظام ذهنی در فرایند تولید آن‌ها را پیش‌بینی کنیم. تجریه و تحلیل اسپونریزم‌های کلام کودکان فارسی‌زبان نشان می‌دهد که اگرچه در گفتار تصادفی حادث می‌شوند؛ اما نظم خاصی بر آن‌ها حاکم است. به‌عبارت دیگر، زنجیره‌های واج‌شناسی در ایجاد آن‌ها دخیل‌اند که عبارت‌اند از: هر دو واحد جابه‌جاشده در اسپونریزم‌ها یکسانند، در اسپونریزم‌های آوایی همخوان‌ها فقط با همخوان‌ها جابه‌جا می‌شوند. در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابه‌جاشده هم‌مقوله هستند. همچنین، هرچه دو واج و یا دو تکواژ شباهت بیشتری با یکدیگر داشته باشند امکان جابه‌جاشدن آن‌ها بیشتر است. در اسپونریزم‌های آوایی واج‌ها در یکی از سه مشخصهٔ محل‌تولید، شیوهٔ تولید و واکداری با یکدیگر مشابهند. در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابه‌جاشده اغلب هم‌وزن هستند. بررسی اسپونریزم‌های کلام کودکان نشان داد واج‌ها و تکواژهای جابه‌جاشده از یک محیط آوایی‌هستند. آغازهٔ هجا با آغازهٔ هجا، قلهٔ هجا با قلهٔ هجا و پایانهٔ هجا با پایانهٔ هجا. در گفتار کودکان فارسی‌زبان درصد جابجایی آغازهٔ هجاها به نسبت بیشتر از موارد دیگر است؛ در نتیجه می‌توان ادعا کرد که در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانهٔ هجا آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

علاوه بر این، از مقایسهٔ اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی در گفتار عادی کودکان فارسی‌زبان ملاحظه شد درصد وقوع اسپونریزم‌های‌آوایی خیلی بیشتر از اسپونریزم‌های‌تکواژی است. درنتیجه می‌توان گفت در کلام کودکان فارسی‌زبان درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

همچنین، از مقایسهٔ اسپونریزم‌های تکواژی و اسپونریزم‌های آوایی می‌توان نتیجه گرفت که دو تکواژ در خطاهای تبادل واژه در جمله نسبت به دو واج در خطاهای تبادل آوایی از هم دورتر هستند. این موضوع نشان‌می‌دهد که برنامه‌ریزی لغات در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان رخ می‌دهد.

در نهایت، به کمک نظریهٔ فعال‌سازی ـ گسترش‌یافته می‌توان علت و چگونگی جابه‌جایی‌ها را درمغز توضیح داد. همانطور که اشاره شد قانون مقولهٔ نحوی یکسان که در این نظریه مطرح می‌شود در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ملاحظه می‌شود و تأکیدی بر برنامه‌ریزی قبلی جمله در مغز است. به عبارت دیگر، با توجه به این نظریه می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد، ثانیاً خطای گفتار، زمانی رخ می‌دهد که کلمهٔ نادرست فعال‌تر از کلمهٔ صحیح باشد. همان‌طور که اشاره شد در رابطه با تولید جمله در حالت عادی نمی‌توان گفت که گفتهٔ فرد بدون هیچ سازوکار مشخصی در ذهن ساخته و توسط فرد بیان می‌شود، بلکه فرامکین[٤٧] معتقد است قواعد خاص و مشخصی برای تولید گفتار در مغز وجود دارد (Fromkin, 1973: 84). با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان از نگاه روان‌زبان‌شناختی چنین ادعا کرد که اسپونریزم نیز از این امر مستثنا نیست و وقوع آن در مغز اتفاقی نبوده و سازوکار مشخصی دارد و درواقع اشتباهاتی هستند که مغز به هنگام سازماندهی پیام‌های زبانی مرتکب می‌شود. درنتیجه، می‌توان به‌جای اصطلاح «لغزش زبانی» اصطلاح «لغزش مغز» را برای اشاره به این موارد مطرح کرد.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان ادعا کرد که مطالعهٔ این خطاها می‌توانند در مورد شناخت نحوهٔ تولید جمله در گفتار و همچنین چگونگی عملکرد مغز بسیار روشنگر باشند و از طریق مطالعهٔ آن‌ها می‌توان بینشی کسب کرد که چگونه نظام ذهنی پیچیده در فرایند تولید گفتار عمل می‌کند.

پیشنهاد می‌شود درصورت امکان در پژوهشی مشابه بررسی شود آیا قواعد بیان‌شده در گفتار کودکان ازجمله تکیهٔ کلمات، محیط آوایی و مشابهت عوامل جابه‌جاشده در گفتار افراد بزرگ‌سال نیز مشاهده می‌شود؟ به عبارت دیگر نقش سن افراد در بروز اسپونریزم چیست؟ آیا جنسیت، هوش و موقعیت اجتماعی فرد در بروز اسپونریزم نقش مؤثری دارد؟ همچنین می‌توان اسپونریزم در زبان فارسی را با اسپونریزم در دیگر زبان‌ها مقایسه کرد و بررسی شود

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

که آیا قواعد موجود در اسپونریزم‌های زبان فارسی در دیگر زبان‌ها نیز صدق می‌کند؟ با توجه به اینکه نگارندگان در این مقاله امکان پرداختن به مراحل تولید گفتار و نقش لغزش‌های زبانی در شناخت و تبیین آن‌ها را نداشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در این زمینه نیز انجام شود. و درنهایت با توجه به مشاهدهٔ سازوکاری مشخص در اسپونریزم، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی شود که آیا سازوکار مشابهی نیز در زبان‌پریشی‌ها وجود دارد؟

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان ضبط و ثبت دائم گفتار کودکان بود. با توجه به اینکه اسپونریزم امری طبیعی و البته کاملاً تصادفی است، محققان بر زمان و محل وقوع آن کنترل ندارند و فقط باید منتظر وقوع آن باشند. بدین‌ترتیب امکان تحلیل تمامی اسپونریزم‌های تولیدشده، نیست.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. William Spooner
2. speech error
3. slip of tongue
4. malapropism
5. reversal
6. Crystal
7. Caplan
8. Yule
9. Fromkin
10. underlying units
11. Freudian explanation
12. Aitchison
13. Waleschkowski
14. feature distance
15. contextual phonological errors
16. conceptualization
17. formulating
18. articulating
19. monitoring
20. Meringer
21. spreading activation theory
22. semantic level
23. syntactic level
24. morphological level

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

25. phonological level
26. Garman
27. phonetic spoonerism
28. phonetic transposition
29. sound-exchange errors
30. morphemic spoonerism
31. word-exchange errors
32. proximity
33. adjacent syllables
34. Garret
35. syllabic similarity
36. syntactic traffic cop
37. Oppenheim
38. Kittredge
39. syntactic category rule
40. syntactic representation
41. semantic representation
42. mental lexicon
43. slots
44. word units
45. interactive
46. insertion rules
47. Fromkin

۷. منابع

- آهلسن، الیزابت (۱۳۹۳). ***درآمدی بر عصب‌شناسی زبان***. ترجمهٔ فاطمه نعیمی حشکوائی. تهران: جهان کتاب.
- آیزینک، مایکل و مارک کین (۱۳۹٤). ***روان‌شناسی شناختی زبان و تفکر***. ترجمهٔ حسین زارع و مهدی باقرپسندی. تهران: ارجمند.
- اچسون، جین (۱۳٦٤). ***روان‌شناسی‌زبان***. ترجمهٔ عبدالخلیل حاجتی. تهران: امیرکبیر.
- افخمی، علی و محمدرضا اسدی مطلق (۱۳۸۲). «بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی». ***مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران***. ش ۲ (پیاپی ۵۸۰) . صص ۳۱-٤۹.
- تفرجی‌یگانه، مریم (۱۳۹۵). «بررسی و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خطاهای گفتاری در جامعهٔ پرستاران». ***یافته***. د ۱۸. ش ٤ (پیاپی ۷۰). صص ۵- ۱۲.
- فلاحی، محمدهادی (۱۳۸٦). «بررسی انواع لغزش‌های‌زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگ-

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

سال». ***زبان و زبان‌شناسی***. تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران. ش۵. صص ۱۲۷-۱۳۶.

- ملایری، سعید و همکاران(۱۳۸۸). ***آزمون سنجش رشد نیوشا***. چ۲. تهران: دانژه.

References:

- Afkhami, A. & M.R. Assadimotlagh (2003). "A Survey on Speech Errors in Perian Language". Tehran University: *Journal of Literature and Humanities*. [In Persian].
- Ahlsen, E. (2014). *Introduction to Neurolinguistics*. Translated by: Fatemeh Naeimi Hashkvaye. Tehran: Jahaneketab. [In Persian].
- Aitcheson, J. (1985). *Psycholinguistics*. Translated by: Abdol Khalil Hajati. Tehran: Amirkabir Publication. [In Persian].
- Aitcheson, J. (1993). *Linguistics*. I odder & Stoughton.
- Caplan, D. (1992). *Language: Structure, Processing and Disorders.* MIT Press.
- Carroll, D. (1998). *Psychology of Language, (3rd ed).* Cole Publishing Company.
- Crystal, D. (1987). *The Cambridge Encyclopedia of Language*. Rep. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dell, G. & Sullivan, Jason M. (2003). Speech errors and language production: neuropsychological and connectionist perspectives. *Psychology of Learning and Motivation.* Elsevier, No:44.Pp: 63-108.
- --------- (1995). "Speaking and misspeaking". *An invitation to Cognitive Science*. Vol:1. Pp: 183-208.
- ---------.; G. Oppenheim & A. Kittredge (2008). "Saying the right word at the right time: Syntagmatic and paradigmatic interference in sentence production". *Language and Cognitive Processes* .Vol: 23.No: 2. Pp: 583-608.
- Eysenck. M. & M. Keane (2015). *Cognitive Psychology: A Student's Handbook.* Translated by: Hoosein Zare & Mahdi Bagherpasandi. Tehtan: Arjmand Publication. [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

- Falahi, M. H. (2007). "A survey on different kinds of speech errors in adult Persian speakers". Tehran: *Quarterly of Language and Linguistics*. [In Persian].
- Freud, S.; R. Meringer & C. Mayer, (2007). "slips of the tongue and mis-readings. The history of a controversy". *Neuropsychiatrie: Klinik, Diagnostik, Therapie and Rehabilitation.* Vol: 21. No:4. Pp: 291-301.
- Fromkin, Victoria A. (1973). *Speech Errors as Linguistic Evidence*. Paris: Mouton.
- Garret, Merrill F. (1990). *Sentence Processing.* The MIT Press.
- Graman, M. (1990). *Psycholinguistics. Cambridge textbooks in linguistics*. Cambridge University Press.
- Malayeri, S.; Z. Jafari & H. Ashayeri (2009). *Newsha Developmental Scale*. Tehran: Danjeh Publication. [In Persian].
- Robbins, R. H.(1966). "The warden's wordplay: Toward a redefinition of the Spoonerism". *The Dalhousie Review*.
- Tafaroji Yeganeh, M. (2016). "A survey and identification on the Most important factors affecting speech errors in nursing society". *Yafteh Quarterly Research Journal*.
- Yule, G. (1996). *The Study of Language, (2nd ed).* Cambridge: Cambridge University Press.

۸. پیوست‌ها

پیوست ۱: اسپونریزم‌های‌آوایی

ردیف	نمونه
۱	پیتزای قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت
۲	جزیرهٔ گنج ← گزیرهٔ جنج
۳	قوری گل‌قرمزی ← قوری قل‌گرمزی
۴	گنج قارون ←قنج گارون
۵	چیپس و پفک ← پیپس و چفک

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

۶	زبر و صاف ← صبر و زاف
۷	قیافهٔ خفن ← خیافهٔ قفن
۸	کبد چرب← چبد کرب
۹	کره و پنیر ← پره و کنیر
۱۰	شُکلات صُبحانه ← صُکلات شُبحانه
۱۱	تیکه‌های چوب← چیکه‌های توب
۱۲	خانه و کاشانه ←کانه و خاشانه
۱۳	سیب نشسته← شیب نسسته
۱۴	چیپس پیازجعفری← پیپس چیازجعفری
۱۵	زمین ←زنیم
۱۶	تصادف← تفادص
۱۷	یارانه← رایانه
۱۸	دمدمی‌مزاج← دمدمی‌مجاز
۱۹	مصادف ← مداصف
۲۰	دوچرخه ← دوخرچه
۲۱	تندیس←دنتیس
۲۲	راننده ←نارنده
۲۳	مواظب← مظاوب
۲۴	فرایض← فیارض
۲۵	منبسط← مسبنط

پیوست ۲: اسپونریزم‌های‌تکواژی

ردیف	نمونه
۱	کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویلت دادم.
۲	او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.
۳	دستم خورد توی چشمش. ← چشمم خورد توی دستش.
۴	آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد. ← آمد چشمش را درست کند، ابرویش را

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]

	کور کرد.
۵	پنج‌تا عروسک بخر، هفت‌تا آب‌نبات. ← هفت‌تا عروسک بخر، پنج‌تا آب‌نبات.
۶	سفینهٔ فضایی می‌خوام.← فضینهٔ سفایی می‌خوام.
۷	قلبم اومد تو حلقم. ←حلقم اومد تو قلبم.
۸	مگه ما کاسهٔ داغ‌تر از آشیم← مگه ما کاسهٔ آش‌تر از داغیم.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-16]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1398.10.2.2.6]